



دانشکده علوم انسانی

واحد تهران جنوب

گروه علمی آموزش زبان فارسی

عنوان پایان نامه:

"بررسی واژگان قرضی اروپایی در متون داستانی ایران"

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی سمائی

استاد مشاور:

دکتر فرزین فهیم نیا

نگارش:

زهرا رعیت

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی

بهار ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مجمع علوم انسانی



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران
الهم عمل لیک الفرج والعافیة والنصر

شماره
تاریخ
پیوست

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: زبان فارسی گرایش: آموزش
تحت عنوان:

بررسی واژگان قرضی اروپایی در متون داستانی ایران

نام خانوادگی: رعیت شماره پروژه: ۸۹۸۱
شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۱۵۳۸
تاریخ دفاع: ۹۱/۱/۳۰
ساعت: ۱۳/۳۰-۱۴/۳۰
نمره: ۱۸/۵
درجه ارزشیابی: عالی

هیات داوران:

داوران	نام	نام خانوادگی	کد استادی	مرتبه علمی	امضاء
راهنما	مهدی	سمائی	۴۱۰۵۲۰	استاد	
راهنمای دوم	.	.	.		
مشاور	فرزین	فهییم نیا	۴۱۰۳۰۵	استاد	
مشاور دوم	.	.	.		
داور	بلقیس	روشن		استاد	
داور دوم	مجتبی	منشی زاده		دانشیار	

تهران، خیابان استاد نجات الهی
نرسیده به خیابان کریمخان زند
چهارراه سپند، پلاک ۲۳۲
تلفن: ۸۸۸۰۱۰۹۰
دورنگار: ۸۸۸۹۰۵۳۶

WWW.TPNU.AC.IR
ensani@tpnu.ac.ir

با سپاس فراوان از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر سمائی و دکتر فهیم نیا که
صبورانه در انجام این پژوهش مرا یاری دادند. و سرکار خانم دکتر روشن و آقای
دکتر منشی زاده که با راهنماییهای ارزشمندشان راه را بر من هموار کردند.

بهار ۹۱

چکیده

پدیده‌ی قرض‌گیری یکی از ویژگی‌های طبیعی زبان قلمداد می‌شود که در چارچوب آن سخنگویان یک زبان در صورت لزوم و به منظور پرکردن خلأهای واژگانی به زبان‌های دیگر مراجعه می‌کنند و کلماتی از این زبان‌ها را در گفتار خود وارد می‌نمایند. به‌کارگیری روز افزون و استفاده‌ی غیر معقول از واژه‌های بیگانه در زبان فارسی می‌تواند اصالت و غنای این زبان را تحت‌الشعاع قرار دهد، و به‌خصوص این باور را در ذهن همگان به گونه‌ای جای دهد که زبان فارسی در ارائه‌ی مفاهیم و معادل فارسی، علمی و تخصصی ناتوان است. در پژوهش حاضر، میزان ورود واژگان بیگانه در متون نوشتاری داستانی در سده‌ی اخیر مورد بررسی قرار گرفت. با بررسی این متون نشان داده شد که میزان و روند قرض‌گیری واژگانی در بازه‌ی زمانی ۹۰ ساله در میان زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و روسی در متون نوشتاری داستانی تاکنون به چه صورت بوده و میزان بهره‌گیری از چه زبان‌هایی بیشتر بوده است. بر اساس آمارهای به‌دست آمده از میان ۲۵ کتاب رمان و مجموعه داستان از نویسندگانی نظیر صادق هدایت و بزرگ علوی به نظر می‌رسد که میزان ورود واژگان اروپایی با توجه به مقتضیات زمان و پیشرفت علم بیشتر شده‌است و تنها تفاوت قابل ملاحظه در میزان ورود واژگان انگلیسی و فرانسوی می‌باشد. بدین ترتیب از مجموع ۶۶۳ واژه‌ی قرضی انگلیسی، فرانسوی و روسی ۱۸/۵۵٪ انگلیسی، ۷۲/۲۴٪ فرانسوی و ۹/۲٪ روسی بودند که از این میان ۳/۷۷٪ مربوط به واژگان انگلیسی پیش از انقلاب و ۱۴/۷۸٪ به واژگان انگلیسی پس از انقلاب، ۲۳/۵٪ واژگان فرانسوی پیش از انقلاب و ۴۸/۷۱٪ پس از انقلاب می‌باشد که با توجه به پیش از انقلاب سیر صعودی داشته‌است.

واژه‌های کلیدی: زبان، زبان فارسی، واژگان قرضی، تداخل زبانی، گرت‌برداری، زبان‌شناسی اجتماعی.

جدول شماره (۲-۱) - بسامد واژگان قرضی رسانه به تفکیک زبان	۲۰
جدول شماره (۴-۱) - نویسندگان به ترتیب زمان	۶۸
جدول شماره (۴-۲) - آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف-اسمیرنوف	۷۰
جدول شماره (۴-۳) - آمار نمونه‌های جفتی	۷۱
جدول شماره (۴-۴) - میزان همبستگی واژگان فرانسوی و انگلیسی پیش و پس از انقلاب	۷۱
جدول شماره (۴-۵) - آزمون نمونه‌های جفتی دو تایی	۷۲
جدول شماره (۴-۶) - میزان درجه‌ی آزادی	۷۲
جدول شماره (۴-۷) - آزمون کروسکال والیس	۷۳
جدول شماره (۴-۸) - آمار آزمون a, b	۷۳
جدول شماره (۵-۱) - نام و تعداد آثار نویسندگان	۷۸
جدول شماره (۵-۲) - فراوانی واژگان قرضی به تفکیک زبان مبدا	۷۹
جدول شماره (۵-۳) - فراوانی درصدی واژگان قرضی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران	۸۴
نمودار شماره (۵-۱) - فراوانی واژگان انگلیسی پیش از انقلاب اسلامی	۸۰
نمودار شماره (۵-۲) - فراوانی واژگان قرضی از زبان انگلیسی پس از انقلاب اسلامی	۸۱
نمودار شماره (۵-۳) - فراوانی واژگان قرضی از زبان فرانسوی پس از انقلاب اسلامی	۸۲
نمودار شماره (۵-۴) - فراوانی واژگان قرضی از زبان فرانسوی - پیش از انقلاب اسلامی	۸۳
نمودار شماره (۵-۵) - نمودار فراوانی درصدی واژگان قرضی	۸۴
نمودار شماره (۵-۶) - بسامد واژگان فرانسوی - انگلیسی و روسی در واحد زمان	۸۵

فصل یک: کلیات

مقدمه

بشر از دیر باز برای برقراری ارتباط با محیط و افراد از زبان بهره می‌گرفته است. این زبان در ابتدایی-ترین شکل خود به صورت نقاشی بر روی دیواره‌ی غارها بود. به عبارتی زبان ابزاری برای ایجاد ارتباط با محیط و انسان‌ها به شمار می‌رفته است. با گذشت زمان و پیدایش خط توانست افکار-دانش و آموخته‌های خود را بر روی کاغذ بیاورد. با استفاده از واژه‌ها توانست مفاهیم را از طریق معنا به انسان‌ها و موجودات پیرامونش انتقال دهد. واژگان و کلمات نقش مهمی در زندگی بشر داشته است. میزان و نوع به‌کارگیری واژگان هر فرد بازگوکننده‌ی فرهنگ، شخصیت، دیدگاه و سبک زندگی وی به شمار می‌رود. به علاوه هر ملیت و قومی خواسته و یا ناخواسته از واژه‌های دیگر ملیت‌ها بهره برده است. چنین فرآیندی تحت تاثیر پیکارها، تبادلات فرهنگی، سفرها و دیگر عوامل شکل گرفته و تاکنون تاثیری جدی در زبان‌ها و فرهنگ و تمدن ملل ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین تمدن‌ها تمدن اروپاییان می‌باشد که انقلابی در تمام عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و ... به وجود آورد.

دکتر آشوری در مقاله خود می‌نویسد:

" زبان فارسی نیز از دایره‌ی این ماجرا بیرون نبوده و می‌توان گفت که در مدتی کمتر از صد سال، نخست آرام - آرام و سپس با شتابی روزافزون، از نظر واژگان و نیز شیوه‌ی بیان و رفتار با زبان دگرگشت ژرفی در آن راه یافته که همگام با دگرگونی‌های شگرف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در ایران بوده است. بدین معنا که با دگرگونی شکل زندگی و راه یافتن اندیشه‌ها و هنجارها و رفتارها و ابزارهای تازه و اسباب تازه‌ی خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و پدید آمدن نهادهای نوین سیاسی و اقتصادی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی و دگرگون شدن چهره‌ی زندگی شهری و روستایی ناگزیر واژگان و اصطلاحات و شیوه‌ی بیان هماهنگ با این شکل از زندگی نیز پدید آمده و رواج یافته است. بر اثر این تحول ژرف و همه‌سویه بخش بزرگی از عناصر زبانی متعلق به شکل و شیوه‌ی زندگی گذشته، از لوازم و اسباب مادی آن زندگی گرفته تا مفاهیم و اندیشه‌ها و نیز زبان و اصطلاحات مربوط به نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی سنتی، جای خود را به دسته‌ای دیگر از

واژه‌ها و مفهومی‌ها و برداشت‌ها سپرده و نیز بسیاری از واژه‌های موجود در زبان دگرگونی معنایی یافته و بار معنایی تازه‌ای وام گرفته‌اند. ما امروز با هزاران واژه‌ی وام گرفته از زبان‌های اروپایی در حوزه‌ی زندگی روزانه تا قلمروهای تخصصی گوناگون روبرو هستیم. این واژه‌ها از وسایل ترابری (حمل و نقل) گرفته تا خوراک و پوشاک و هر زمینه‌ای از زمینه‌های زندگی مادی و معنوی امروزی را شامل می‌شود. برای یادآوری برخی از آشناترین آن‌ها را نام می‌بریم: اتوبوس، مینی بوس، تاکسی، موتور، ماشین، کلاچ، ترمز، رادیو، تلویزیون، کاست، کت، کراوات، ژاکت، بلوز، دوپیس، کتلت، سوپ، سالاد، اسپاگتی، پوره، ترافیک، پارک، پارکینگ، پارکوی، اتوبان، پست، تلگراف، تلفن، تمبر، پاکت، پوستر، گرافیک، اوزالید، افسست، تئاتر، سینما، تنیس، پینگ پونگ، فوتبال، والیبال، فیزیک، شیمی، ایدئولوژی، سوسیالیسم، ناسیونالیسم و هزاران واژه‌ی دیگر که در صدها زمین‌ی علمی و فنی به کار می‌روند. در جوار این وام‌گیری زبانی، با ورود نهادها و ابزارها و تکنیک‌های نوین می‌بینیم که صدها واژه‌ی فارسی از درون دگرگونی معنایی یافته و با نیازهای علمی یا اداری یا سیاسی و فرهنگی و فنی زندگی نوین سازگار شده‌اند و، در واقع، بار معنایی خود را از واژه‌های معادل خود در زبان‌های فرانسه و انگلیسی گرفته و از معنای دیرین خود یا گسسته‌اند و یا رابطه‌ی چندانی با آن ندارند."

با افزایش چشمگیر وام واژه‌ها در زبان فارسی و تغییر نقش و با معنایی واژگان بومی می‌توان به تهدیدی جدی اشاره کرد البته چنین امری به یکباره رخ نمی‌دهد. چنین فرآیندی از نظر تاریخی و تدریجی بر زبان و فرهنگ گفتگوی جامعه تاثیر گذاشته و بومی می‌شود.

به این ترتیب است که امروز با هزاران واژه‌ای که زبان فارسی در این صدساله از زبان‌های اروپایی وام گرفته و یا چند هزار واژه‌ای که برای بیان مفاهیم نوین علمی و فنی و سیاسی و فلسفی و اقتصادی و اجتماعی و اداری و جز آنها از درون خود بیرون داده و یا با بخشیدن و بار معنایی تازه برای نیازهای نوین بسیج کرده و همچنین با بیرون رفتن صدها واژه از گردونه‌ی کاربرد روزانه یا ادبی یا علمی و اداری و فنی، دستگاه واژگانی این زبان دگرگونی شگرفی یافته‌است. این تحول شگرف نه تنها در زبان کارگاه صنعتی و کارخانه و وزارتخانه و ارتش و مدرسه و دانشکده که در کارگاه هر خیاط و نجار و آرایشگر و آشپز نیز رخ داده و نه تنها نام اشیاء تازه فراوانی به آنها راه یافته که شیوه‌ها و هنجارهای نوین کار و کارکرد

ماشین‌ها و دستگاه‌ها نیز زبان و اصطلاحات دیگری را طلبیده‌است که یا از زبان‌های اروپایی گرفته یا از درون خود پدید آورده‌است. اما، این دگرگونی‌ها تنها مربوط به واژگان زبان و محدود به آن نیست بلکه شیوی گفتار و نوشتار و حتی کمابیش ساخت نحوی زبان را نیز دربرمی‌گیرد. چنین رفتاری با زبان، که فرهنگ و تمدن مدرن می‌طلبد، ناگزیر بسیاری از معیارهای ذوقی و ادبی سنتی را برهم زده و معیارهای تازه‌ای به جای آن نشانده‌است. نزدیکی زبان نوشتار به گفتار و اصل قرار گرفتن سادگی و روانی و رسایی نوشتار کمابیش بخش عمده‌ای از عادت‌ها و شیوه‌های نوشتاری دیرینه را برهم زده و، در نتیجه، نثر فارسی را از ورای چند قرن دوباره به ساده‌نویسی و روانی نخستین آن در سده‌های چهارم و پنجم و ششم نزدیک کرده‌است. (آشوری، ۱۳۷۵: ۴۰-۵۵).

۱-۱) بیان مسئله:

نظام زبان یکی از پیچیده‌ترین نظام‌هایی است که بشر در طول زندگی خود با آن سر و کار دارد. بدین معنی که انسان می‌تواند با تعداد معدودی قاعده‌ی زبانی و نیز واژگان محدودی که در ذهن خود جای داده و بخشی از دانش یا توانش زبانی^۱ او را تشکیل می‌دهند تعداد بی‌شماری جمله تولید کند و آن‌ها را در شرایط مختلف به‌کار ببندد و به همین ترتیب، جمله‌هایی را که دیگر سخنگویان تولید می‌کنند شنیده و ادراک نماید (کنش زبانی^۲). بدیهی است که این نظام پیچیده دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد که آن را از سایر نظام‌های ارتباطی بشر متمایز ساخته و در جایگاه برتر خود قرار می‌دهد. از جمله این ویژگی‌ها، می‌توان به فرآیند تغییر زبانی^۳ اشاره نمود. منظور از این فرآیند این است که بخش‌های مختلف زبان از قبیل بخش آوایی یا تلفظ، بخش واژگانی و حتی بخش نحوی دستخوش تغییرات موجود در زبان می‌گردند.

البته، این تغییرات بیشتر در سطح واژگان اتفاق می‌افتد و همواره کلماتی در زبان زاده شده و به فهرست واژگان آن زبان اضافه می‌گردند در حالی که بعضی از کلمات با گذشت زمان

¹ Linguistic Competence

² Linguistic Performance

³ Linguistic Change /Shift

از این فهرست حذف می‌شوند. امروزه، واژه‌هایی همچون داروغه، گزمه، آجودان، بلدیه و... دیگر در زبان فارسی بکار نمی‌روند زیرا تقریباً معادل آن‌ها در فرهنگ جوامع فارسی‌زبانان به فراموشی سپرده شده‌است.

این در حالی است که واژه‌هایی چون پلیس، سینما، رستوران، کافه و غیره به فهرست واژگان اضافه شده‌است. دلیل این واقعیت را می‌توان در این امر جستجو کرد که واژه‌های زبان فارسی انعکاسی از پدیده‌ها و عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ جامعه‌ی سخنگویان این زبان هستند. با ایجاد یک مقوله یا عنصر فرهنگی واژه‌ای به آن افزوده و با حذف یک عنصر فرهنگی واژه معادل آن در زبان فارسی نیز از بین خواهد رفت. بنابراین، تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر چگونگی سیر و تکامل زبان امری اجتناب ناپذیر است. (مدرسی، ۱۳۸۷: ۴۱-۵۱).

از طرفی واژه‌ها ابزار کار نویسندگان می‌باشند و نویسندگان به عنوان رسانه‌ای نوشتاری سازنده پیکره‌ی فرهنگ واژگان جامعه به شمار می‌آیند. این نویسندگان و مترجمان هستند که فرهنگ نوشتن و سخن گفتن را در میان مردم گسترش می‌دهند و ضعف و یا قوت قلم آنها بر گفتگوها و اصطلاحات و دامنه‌ی واژگانی خوانندگان تأثیر خواهد گذاشت. رابطه‌ی خواننده و نویسنده مانند رابطه مادر و فرزندی است چرا که نویسنده در جایگاه آموزنده و الگو قرار دارد و مسئولیت بس گرانی بر دوش دارد. بنابراین در پژوهش حاضر قصد داریم به ۲ پرسش اصلی پاسخ دهیم:

۱- میزان واژگان قرضی اروپایی در آثار نویسندگان قبل و پس از انقلاب در ۹۰ سال اخیر چگونه است؟

۲- نسبت واژگان قرضی زبان‌ها در آثار نویسندگان ۹۰ سال اخیر چگونه است؟

با توجه به مواردی که به آن‌ها اشاره شد بر آن شدم تا میزان ورود واژگان وام گرفته شده از زبان‌های اروپایی را در متون نوشتاری نویسندگان ایرانی مورد کنکاش قرار دهم تا بتوان مروری بر داستان‌ها و رمان‌های ایرانی از سال ۱۳۰۰ تاکنون داشته باشیم و بر این اساس تعداد این واژگان را با توجه به زمان نوشتن آنها پیش از انقلاب و پس از انقلاب بررسی و مقایسه نمایم. با استفاده از چنین

روشی به جرات می‌توان آگاهی از به‌کارگیری واژگان معمول در زبان فارسی پیدا نمود و بر آن باشیم تا با استفاده از چنین "واژه آگاهی" نسبت به زبان مادریمان دقت و توجه بیشتری داشته باشیم و پیش بینی نسبی نسبت به ورود وام‌واژه‌های نوین داشته باشیم.

۲-۱) ضرورت پژوهش:

در طول تاریخ زبان فارسی همواره در معرض هجوم واژه‌های بیگانه قرار داشته است. البته هیچ زبانی از این امر مستثنی نبوده و نیست. هیچ زبانی خالص باقی نخواهد ماند، اما ورود واژگان بیگانه یا همان وام‌واژه‌ها به زبان فارسی نسبت به دیگر زبان‌ها بیشتر بوده است. به علاوه نقش نویسندگان و مترجم‌ها در فرهنگ سازی زبانی و واژگانی افراد جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. در جامعه-ی ایران از سال ۱۳۰۰ تاکنون رخدادهای بسیاری از جمله جنگ جهانی دوم رخ داده که بر فرهنگ، واژگان و گفتار مردم بی‌تأثیر نبوده است. می‌توان گفت که چنین دگرگونی‌هایی از قلم نویسندگان نشأت گرفته است. چرا که نویسندگان مانند آموزگاران آفریننده‌ی فرهنگ درست و نادرست هستند و نقش به‌سزایی در شکل‌گیری این فرهنگ خواهند داشت. از آنجا، زبان و فرهنگ رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند بنابراین واژه‌ها به منزله‌ی اجزای کوچک اما اصلی فرهنگ هر جامعه به شمار می‌روند. با توجه به دگرگونی‌های زبان فارسی از ابتدا تاکنون و ورود کلمه‌های غیر فارسی و تغییر الگوهای گفتاری به خصوص پس از سال‌های ۱۳۳۰ تاکنون و گسترش بی‌رویه‌ی واژگان اروپایی در کتاب‌های داستانی ایرانی و گمنام ماندن برخی نویسندگان در دوره‌های گوناگون برای نسل پس از انقلاب و کاستی‌های بسیاری از کتاب‌های رمان و داستانی چنین پژوهشی آغازگر دگرگونی‌هایی در زبان فارسی خواهد بود. گفتارها و نوشتارهای نادرستی که در کتاب‌ها، مطبوعات و رادیو و تلویزیون، به فراوانی ارایه می‌شود، موبد این نگرانی است. از این رو، نظارت متخصصان بر متن‌های ترجمه شده چاپی و برنامه‌ها و اخبار و فیلم‌های رادیو و تلویزیون و سینما. ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین بررسی روند استفاده‌ی نویسندگان از واژگان بیگانه و بررسی دلایل و انگیزه‌های قرض‌گیری می‌تواند به نوعی آگاهی از کاربرد هر یک از واژگان در خوانندگان ایجاد کند. شاید تاکنون هیچ خواننده‌ای جز تعدادی اندک از واژگان انگلیسی مانند ماشین، پارک، کامپیوتر، بانک، دیکشنری و... در

مورد کلمات راه یافته‌ی روسی و فرانسوی به زبان فارسی آگاهی‌های درخور را نداشته باشد. بررسی و شناخت این واژگان برای بسیاری از خوانندگان، دانشجویان و فارسی‌زبانان جالب خواهد بود. به خصوص آنکه در باره‌ی زمانی و با توجه به شرایط هر یک از نویسندگان بررسی گردد.

۳-۱) قلمروی پژوهش

قلمروی پژوهش شامل دو بخش می‌باشد: نخست قلمروی علمی و سپس قلمروی محیطی. قلمروی علمی به تعاریف و موضوعات زبان‌شناسی و به طور کلی مسائل کلاسیک در این حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهد از قبیل: واژه‌شناسی - زبان‌شناسی - جامعه‌شناسی زبان و قرض‌گیری زبان فارسی از زبان‌های اروپایی در چند سال اخیر. و قلمرو محیطی به چارچوب پژوهش مربوط می‌باشد بدین معنی که اساس پژوهش به گونه‌ای پیوسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱) قلمروی علمی:

جان لاینز^۱ چند تعریف زبان را از قول زبان‌شناسان مختلف، از جمله سایپر^۲، و ترگر^۳، هال^۴، و چامسکی نقل می‌کند که در این تعاریف هر یک از منظر و دیدگاه خاص خود به زبان نگریسته‌اند.

رابرت هال از یک منظر رفتارگرایانه، به ارائه تعریف پرداخته‌است. تعریف ارائه شده توسط بلاش و ترگر ملموس‌تر و عینی‌تر بوده و در زبان‌شناسی اجتماعی از مقبولیت عام‌تری برخوردار است. در این تعریف « زبان یک نظام قراردادی از علایم صوتی است که به وسیله آن اعضای یک گروه اجتماعی به تعامل با یکدیگر می‌پردازند (۱۹۹۰: ۳-۱۱) ».

^۱ J. Lyons

^۲ E. Sapir

^۳ Turgor

^۴ R. Hall

دیوید کریستال^۱ می‌گوید "واژه زبان در کاربرد روزمره ممکن است چندین معنا داشته باشد. گاه ممکن است این اصطلاح به معنای گونه خاصی از زبان باشد، مثل؛ زبان علم، زبان بد، زبان عامیانه و ... وی به معانی دیگر این لفظ اشاره می‌کند که عبارتند از: "دانش زبانی"، "زبان مصنوعی"، "زبان اشاره"، و "زبان حیوانات". اما تعریفی که وی از زبان به دست می‌دهد تنها در بر گیرنده زبان انسانی است: "زبان کاربرد اصوات، نشانه‌ها، و علایم نوشتاری نظام‌مند و قراردادی در یک اجتماع انسانی برای برقراری ارتباط و بیان مفاهیم است". در این بحث نیز زبان به مفهوم وسیع کلمه، یعنی هرگونه نظام ارتباطی انسانی، حیوانی یا ماشینی مد نظر نیست و مقصود از زبان همان "نظام ارتباطی قراردادی گفتاری- شنیداری است که خاص نوع انسان است (۱۹۹۲: ۲۱۲).

-**زبان‌شناسی**^۲: زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی زبان است و زبان‌شناسان معاصر بیشتر به شناخت ساخت آوایی و صرفی و نحوی و معنایی زبان پرداخته‌اند. رشته‌ای است مدرن و نوپا که امروزه در بسیاری از علوم مختلف مانند روان‌شناسی، عصب‌شناسی، حقوق و آموزش کاربرد دارد.

-**جامعه‌شناسی**^۳: مطالعه‌ی قوانین و فرایندهای اجتماعی است که مردم را نه تنها به عنوان افراد و اشخاص بلکه به عنوان اعضاء انجمن‌ها، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی شناسانده و مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی مطالعه زندگی اجتماعی گروه‌ها و جوامع انسانی است. مطالعه‌ی هیجان‌انگیز و مجذوب‌کننده که موضوع اصلی آن رفتار خود ما به عنوان موجودات اجتماعی است. دامنه جامعه‌شناسی بی‌نهایت وسیع است و از تحلیل برخوردهای گذرا بین افراد در خیابان تا بررسی فرایندهای اجتماعی جهانی را در بر می‌گیرد.

-**واژه‌شناسی**^۴: بررسی و شناخت اجزاء یک واژه مانند تکواژها و وندها و پسوندهای تصریفی است. نمونه‌ی واژه را واژه‌ی نوشتاری (املایی) می‌دانند. چرا که در هر طرف آن فاصله‌ی رعایت می‌شود (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۵۰۸).

1. D.Crystal
2 Linguistics
3 Sociology
4 .Morphology

واژه‌ی قرضی^۱: ورود عنصر واژگانی از زبانی به زبان دیگر (زبان مبدا به مقصد) بدون تغییر و معادل-سازی در زبان مقصد واژه‌ی قرضی نام دارد.

رمان^۲: روایت منثور خلاقانه‌ای با طول چشم‌گیر و پیچیدگی خاص که با تجربه‌ی انسانی همراه با تخیل سروکار داشته باشد و از طریق حوادث بیان شود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه‌ی مشخصی شرکت داشته باشند. (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

۲-۳-۱) قلمروی محیطی:

در پژوهش حاضر واژگان قرضی اروپایی موجود در رمان‌ها و مجموعه داستان‌های ایرانی از سال ۱۳۰۰ تاکنون مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته از میان ۲۵ اثر از ۱۸ تن از نویسندگان قبل و بعد از انقلاب و بررسی واژگان قرضی آن‌ها جدا شدند و با استفاده از "فرهنگ سخن دکتر حسن انوری" زبان مبدا هر یک از واژگان مشخص گردید. تنها واژگان زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، روسی مورد بررسی قرار گرفتند.

۴-۱) اهداف پژوهش:

هدف از ارائه‌ی پژوهش حاضر بررسی واژگان قرضی اروپایی موجود در در پیکره‌ی متون نوشتاری داستانی می‌باشد. بدین ترتیب با مقایسه‌ی روند تدریجی قرض‌گیری و مطالعه‌ی در زمانی این فرآیند می‌توان روند وام‌گیری و منشاء آن را مورد بررسی و به طریقی پیش‌بینی نمود. بدین ترتیب عمده‌ترین اهداف عبارتند از:

- ۱- بررسی وام‌واژه‌ها در دوره‌های مختلف
- ۲- مقایسه‌ی نسبت واژگان قرضی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران
- ۳- پیش‌بینی میزان ورود واژگان بیگانه به زبان فارسی در سال‌های آینده.
- ۴- رفع کاستی‌های موجود در متون نوشتاری به خصوص رمان‌ها و داستان‌ها

^۱ Loan Word

^۲ Novel

۵- ایجاد تحرک در مراکز فرهنگ نویسی و نویسندگی برای ارتقاء روش‌های واژه‌گزینی

۵-۱) کاربردها:

- سهولت در کاوش اطلاعات مربوط به قرض‌گیری واژگانی در زبان فارسی
- به عنوان مرجعی قابل استفاده در تهیه فرهنگ واژه‌نامه در حوزه بررسی واژگان قرضی
- کمک به شناخت بهتر علاقمندان در جهت انتخاب واژگان معادل و کاربردی در گفتگوهای روزمره‌ی فارسی
- ایجاد انگیزه در اصلاح کاربرد واژگان بیگانه
- به عنوان مرجعی کاربردی در فرهنگستان زبان فارسی و شورای گسترش زبان فارسی
- ایجاد بخشی در کتاب‌های دستور زبان فارسی به عنوان وام واژه‌های نویسندگان و مقایسه‌ی واژه‌گزینی در آنها
- مقایسه‌ی میزان استفاده نویسندگان از واژگان بیگانه

۶-۱) روش کار:

روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. ابتدا کتاب‌های منتشر شده در دوره‌ی زمانی مورد نظر جمع‌آوری شدند. سپس تعداد واژگان قرضی فرانسوی-، انگلیسی و روسی مورد بررسی قرار گرفتند.

۷-۱) پرسش‌ها:

در تحقیق حاضر به ۲ پرسش زیر پاسخ خواهیم داد:

- میزان واژگان قرضی اروپایی در آثار نویسندگان قبل و پس از انقلاب در ۹۰ سال اخیر چگونه است؟

- نسبت واژگان قرضی زبان‌ها در آثار نویسندگان ۹۰ سال اخیر چگونه است؟

۸-۱) فرضیه‌ها

- میزان واژگان قرضی در آثار نویسندگان قبل و پس از انقلاب در ۹۰ سال اخیر تفاوت چشم‌گیری باهم نداشته است.

- واژگان قرضی زبان‌های انگلیسی و فرانسوی در آثار نویسندگان ۹۰ سال اخیر بیشتر است.

بر اساس فرضیه‌های فوق به بررسی آثار می‌پردازیم و در فصل آتی نگاهی به پیشینه پژوهش در داخل و خارج از ایران خواهیم داشت.

فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱) مطالعات زبانشناسان غرب:

به نظر می‌رسد مطالعات زبانشناسان اروپایی و آمریکایی در مورد قرض‌گیری زبانی^۱ نسبت به مطالعات زبانشناسان ایرانی در این زمینه دارای قدمت و سابقه‌ی بیشتری است. از جمله می‌توان به اثر معروف بلومفیلد^۲ با عنوان "زبان" اشاره کرد. وی در این کتاب سه فصل را به بحث در مورد قرض‌گیری زبانی اختصاص داده‌است و بین سه نوع قرض‌گیری با عنوان‌های قرض‌گیری فرهنگی، قرض‌گیری درونی و قرض‌گیری گویشی تمایز قائل شده‌است. بلومفیلد برای هر یک از قرض‌گیری‌های یاد شده مثال‌هایی را از زبان‌های گوناگون آورده و درباره‌ی تغییرات واجی قرض‌گیری شده نیز مطالبی را مطرح کرده‌است^۳ (۱۹۳۳: ۴۴۵-۴۹۳).

به علاوه وی معتقد است که قرض‌گیری دو طرفه است و علت این نوع قرض‌گیری در تبادل عناصر فرهنگی بین جوامع زبانی است. به بیان دیگر هر جامعه‌ی زبانی با دادن عناصر فرهنگی به جامعه‌ی مورد نظر قرض می‌دهد و جامعه‌ی قرض‌گیرنده نیز به نوبه‌ی خود ممکن است عناصر فرهنگی خاص را به جامعه مقابل قرض داده و در کنار آن واژه‌های ساختاری قرض گرفته شده به عناصر واحدی در زبان قرض‌گیرنده است (همان، ۵۷۸-۵۶۴).

از دیگر مطالعات انجام شده در مورد فرآیند قرض‌گیری مقاله‌ی هاگن^۴ است. هاگن در مقاله‌ی خود بین قرض‌گیری ضروری و غیر ضروری تمایز قائل شده‌است. وی همچنین قرض‌گیری‌های واژگانی^۵ را به سه دسته تقسیم می‌کند دسته اول "وام‌واژه‌های الگویی" هستند که در آن‌ها صورت واژه علاوه بر معنای آن وارد زبان قرض‌گیرنده می‌شود دسته دوم وام‌واژه‌ی دو رگه یا آمیزشی است که در آن بخشی از واژه از عناصر بومی زبان قرض‌گیرنده است و بخشی دیگر از طریق قرض‌گیری وارد شده است و دسته سوم تغییر قرضی است که در آن اثر زبان قرض‌دهنده معنایی است. صورت واژه وارد

^۱ Language Borrowing

^۲ W. Bloomfield

^۳ اثر ارزشمند زبان نوشته بلومفیلد ترجمه محمدعلی حق شناس-۱۳۷۹.

^۴ E. Haugen

^۵ Lexical Borrowing

زبان قرض گیرنده نمی شود. هاگن همچنین علل قرض گیری های واژگانی را نیز بررسی کرده است. (۱۹۵۰: ۱۰۶-۷۹).

و این رایش^۱ نیز در کتاب نیز در کتاب خود ضمن پرداختن به بحث در مورد تداخل زبانی درباره ی تداخل زبانی^۲ صحبت کرده است. وی واژه های قرضی را به دو دسته ی واژه های ساده و واژه های مرکب تقسیم می کند. وی از جمله زبان شناسانی است که نیاز به نامیدن اشیاء، اشخاص و مکان های جدید را از دلایل جهانی قرض گیری واژگانی دانسته است. با این حال وی این نکته را خاطر نشان می کند که زبان ها به علل درون زبانی نیز اقدام به قرض گیری واژگانی از یکدیگر می کنند (۱۹۶۳: ۴۷-۶۲).

ویلیام لباو^۳ که نیز در بحث از تغییرات زبانی عامل قرض گیری را یکی از آنها دانسته است. وی در کتاب خود در بحث از ارتباط قرض گیری و عامل اعتبار اجتماعی^۴ این باور رایج را زیر سوال می برد که طبق آن عنصر قرض گرفته شده از طبقات بالا به طبقات پایین تر سرایت می کند. وی با بیان نتیجه ی مطالعات خود نشان می دهد که همواره این گونه نیست (۱۹۷۲: ۲۸-۳۰۸).

آنتونی آراتو^۵ از دیدی تاریخی به مسئله ی قرض گیری واژگانی نگریسته و مثال های قابل توجهی را از قرض گیری تاریخی زبان ها ذکر کرده است و قرض گیری های واژگانی را در ارتباط با قرض گیری های فرهنگی نیز دانسته است. وی تغییرات واجی واژه های گرفته شده در زبان قرض گیرنده بحث کرده و در این رابطه مثال هایی را نیز از زبان ترکی آورده است (مدرسی، ۱۳۸۰: ۷۷-۷۸).

^۱U. Weinreich

^۲Language Interference

^۳W. Labov

^۴Prestige

^۵A. Arlotto